

خُمرِ جان

www.ketab.ir

سید محسن افتخار بنی هاشمی (افتخار)





خُمِ جان

سید محسن افتخار بنی هاشمی (افتخاری)

مؤلف: سید محسن افتخاری مولف محفوظ است.

صفحه‌ها و طراح جلد: مهرداد سیدرود

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان

ناشر: سیدرود

سرشناسه: افتخار بنی هاشمی، سید محسن، ۱۳۴۱-

عنوان و پدیدآور: خُمِ جان/سید محسن افتخاری بنی هاشمی (افتخاری).

مشخصات نشر: رشت: سیدرود، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۲۳-۱۳-۸

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۵

موضوع: Persian poetry -- 21st century

رده بندی کنگره: PIRAT۳۴

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۵۳۸۴۶

انتشارات

سیدرود

رشت، خ بحر العلوم، پاساژ رضا، طبقه اول

شماره ۷۶، کد پستی: ۱۵۸۶۴-۴۱۳۶۶

تلفن: ۰۹۱۱۳۴۸۲۹۰۹-۰۱۳۳۳۳۶۵۷۵۹

۴۱	طوطی جان	۷	مقدمه
۴۳	چرخ نیلوفری	۹	فصل اول
۴۵	غمزه	۹	دیر خراب
۴۷	افسونگری	۱۱	عدم
۴۹	اغ خرد		سروروان
۵۱	شیر	۱۵	کنعان
۵۳	دو چشم میا	۱۷	دایره پرگار
۵۵	عمر	۱۹	میکده
۵۷	اندرز	۲۱	وادی حیرت
۵۹	مهر تو	۲۳	نوش و نیش
۶۱	یعنی چه	۲۵	پرده پندار
۶۳	صفای باطن	۲۷	قد کمان
۶۵	جمالت	۲۹	دل آرام
۶۷	خُم جان	۳۱	فیض عام
۶۹	صبا	۳۳	سایه سار چمن
۷۱	دوست	۳۵	دار
۷۳	فراق	۳۷	چرخ گردون
۷۵	راز	۳۹	جوانی

۷۸	عشوہ گری
۸۰	جام
۸۲	سنگ
۸۵	ان الحق
۸۷	آہ
۹۳	بلبل مست
۹۸	سائل
۱۰۳	مہر دوست
۱۰۶	وقت پرواز
۱۱۶	تنہا
۱۲۴	مہر بیستون
۱۲۸	خاک
۱۳۰	ملک بقا
۱۳۳	قلم
۱۳۵	باغ خاطره
۱۳۷	دیر خراب
۱۳۹	بادہ خوران
۱۴۱	یلدا
۱۴۳	پنجرہ
۱۴۵	خیابان دل
۱۴۷	علم و ادب
۱۴۹	صنم
۱۵۷	فصل دوم
۱۷۳	فصل سوم
۱۸۹	فصل چہارم

مقدمه مؤلف

چون میلش کشید، نسیمی وزاند و دایره مینا را پرداخت، فرشی رنگارنگ بیانداخت و سفره‌ای رنگین‌تر بگستراند و از همه نوع عجائب که موجبات تحیر است را روانه بازار وجود نمود و هر کسی و هر چه را شیفته به تعلق خاطری نمود. نیش و نوش را به هم در آمیخت و از سپیدی را با سیاهی و رنج و تعب را نیز در گوشه‌ای از صندوق و جعبه امانت نهاد.

دنيا را بازاری ساخت که سویی می‌آید و دیگری از سویی می‌رود، گویی که تاکنون نیامده بود و جز این نمی‌خواست که معترف باشیم به ظرافت و نهایت هنر هنرمندی که چنین زیبا خیر و شر را درهم می‌تند، همانند تنیدن سیاهی شب در سپیدی روز. و بدینگونه است که با این تنازعات و تقابلات و هم‌آوایی‌ها هستی را می‌پردازد. اما اگر ما را در فرود آغازی است که کلام را می‌طلبد، در فراز انجامی است که طلب می‌کند خموشی را و این میسر نیست جز با تعقل و تدبیر. و چه زیباست اجابت کنیم سروشی را که فرامی‌خواندمان به اقیانوس بی‌کران هستی تا به نظاره بنشینیم این پهنه پرتحیر را که برانگیزاننده نواهایی از خم جان یکایک ماست و این نظاره و تدبیر را حاصلی است. پس تقدیم می‌کنم آواهایی که در این میانه از خم جانم برخاسته را به محضر خجسته همه آنانی که در فراز و با تدبیر به خموشی باور دارند.